

## کیمیان

**امام حسین(ع)؛ تجلی عینی عزت انسان**

عزت و سربلندی از صفات انسانهای بزرگ، با شخصیت و آزاده است.
تعالیم اسلام همه در جهت عزت بخشیدن به انسان و رهایی از دل‌بستن به اموری است که با مقام انسانیت سازگار نیست.

اسلام انسان را از عبادت، خشوع و هر گونه سرسپردگی به معبودهای دروغین رهاییده و از او می‌خواهد جز در مقابل خدا در برابر هیچ‌کس، سر تسلیم فرود نیاورد و فقط خداوند در نظر او بزرگ و با عظمت باشد.
امام حسین(ع) از جمله انسانهایی است که عموم صفات انسانی در او متجلی شده و او مرکز ثقل همه صفات عالیه در روی زمین است.
عزت، سربلندی و آزادگی در امام حسین(ع) به گونه‌ای است که آن حضرت «سرور آزادگان جهان» لقب گرفت و در دشوارترین موقعیت‌ها حاضر نشد در مقابل دشمن سر تسلیم فرود آورد.
در مطلب حاضر جلوه‌های عزتمداری در عاشورا و واقعه کربلا بررسی شده است.

**عزت در قرآن و روایات**

در بیش از صد آیه از آیات قرآن کریم<sup>(۱)</sup> از صفات ذات مقدس ربوبی «عزت» شمرده شده است که خود نشان عظمت این نکته است.
در منطق قرآن کسانی که بخوانند عزیز باشند باید از سرچشمه فیاض الهی کسب عزت کنند.
«من کان برید العزه فله العزه جمعاً» هر که طالب عزت است تمام عزت، خاص خدا (و خداپرستان)<sup>(۲)</sup> است زیرا عزت همواره از علم و قدرت سرچشمه می‌گیرد و آنها قدرتشان ناچیز و علمشان محدود است و کاری از دستشان ساخته نیست که بتوانند منشأ عزتی باشند.
قرآن به کسانی که عزت خودشان را در سایه دوستی با بیگانگان طلب می‌کنند، نهیب می‌زند.
«الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ایبتغون عندهم العزه فان العزه لکل جمیعاً» کسانی که عزت خودشان را از کافران می‌جویند نه از مومنان، آیا می‌خواهند از آنان کسب عزت کنند، همانا عزت واقعی از آن خداست»<sup>(۳)</sup>

یکی از راههای صعود اعمال از منظر قرآن کریم عزت نفس است: «کسانی که عزت را می‌خواهند بدانند که عزت برای خداست. کلمه طیب به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح، آن را بالا می‌برد و مکاران در انتظار عذاب شدید باشند و مکرشان هم به جایی نمی‌رسد»<sup>(۴)</sup>
در قرآن کریم عزت برای رسول و مومنان نیز قرار داده شده است؛ چرا که اولیاء و دوستان خدا نیز تروی از عزت او واردند و به او متکی هستند: «ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین ولکن المنافقین لایعلمون؛ عزت از آن خدا و رسول و مومنین است ولی منافقان نمی‌دانند.»<sup>(۵)</sup> پیامبر(ص) فرموده‌اند: «پروردگار شما همه روزه می‌فرماید: منم عزیز و هر کس عزت دو جهان بخواید، باید اطاعت عزیز کند»<sup>(۶)</sup> بنابراین عزت واقعی تنها از راه اطاعت به دست می‌آید.
عزت واقعی که باقی مسرفرازی دنیا و آخرت است، حاصل قربان شدن به حق تعالی و نتیجه متصف شدن به اوصاف الهی و متخلق شدن به اخلاق الهی است، ولی عزت‌های خیالی که باعث سرافکندگی دنیا و آخرت است، حاصل معاصی و نتیجه دوری انسان از حق تعالی است.
در دعای عرفه به نقل از سالار شهیدان می‌خوانیم که تمام عزت و بلند مرتبگی ویژه خداوند است و هر که خدا را باعث عزت بخشد و الا در ذلیل خواهد بود، در احادیث گوناگون موجبات عزت در عواملی چون انصاف، بخشش، پایبندی به حق، فروتنی، مناعت طبع، توکل، حفظ زبان، فرو خوردن خشم، شکیبایی، قناعت و غیره آمده است.
به عنوان نمونه امام علی(ع) رفتار متصفانه با مردم را باعث عزت دانسته و در احادیث دیگر شجاعت و قناعت را از عوامل نیل به عزت برمی‌شمارند؛ همچنین رسول خدای(ص) قفو و بخشش را مایه رسیدن به عزت و در حدیث دیگر فروتنی و مناعت طبع را مایه عزت مومن می‌دانند.
امام باقر(ع) نیز توکل به خدا را موجب عزت مومن می‌داند و در جای دیگر صبر و شکیبائی را مایه عزت می‌شمارند.<sup>(۷)</sup>

**عزت در نهضت حسینی**

واژه عزت در فرهنگ قرآن و عترت به مفهوم اوج گرفتن به مرحله توانمندی معنوی و اخلاقی و عظمت روح و توسعه شخصیت و ارستگی و مهر و مدارا و صلابت و شکست‌ناپذیری روان در برابر باطل و بیداد آمده است و حسین(ع) بزرگ آموزگار این ویژگی پرچادبه انسانی و اخلاقی و درخشان‌ترین سمبل این راه پرافتخار است.
یکی از هدفهای بلند نهضت عزت‌طلبانه عاشورا، نفی ذلت و ذلت‌پذیری از سنیما و منش فرد و جامعه در بند استبداد اموی، آنگاه عزت‌آموزی و عزت‌طلبی و نشان دادن راه آزادمنشی و آزادی مطلوب قرآن و پیامبر(ص) و بهاء دادن به کرامت و حقوق انسان در عصر و نسل‌هاست و از این زاویه است که می‌توان جلوه‌های عزت و آزادمنشی مورد نظر قرآن را در نهضت حسین(ع) و با نمودهای عزت و آزادمنشی عاشورا را در آینه قرآن به نظاره نشست.

عزت بخشی و عزت‌افرینی، از مهمترین اهداف تربیتی پیامبران و اوصیای ایشان است و هیچ نهفتنی چون نهضت امام حسین(ع) قلبها را منقلب نکرد و عواطف را همسوی خود نداشت و روح عزت را در بشر ندانید.
نهضت امام حسین(ع) حماسه عزت است و جای جای آن گویای این حقیقت که شرافت انسان به عزت اوست و کسی حق ندارد جز در برابر خدای خود را ذلیل سازد.
بر این اساس مومن پیوسته استوار و سازش‌ناپذیر است و در هر اوضاع و احوالی عزت خود را حفظ می‌کند و سرگرم بر در ذلت مرتجع نمی‌دهد.
این راه و رسم در حماسه حسینی بیش از هر چیز جلوه دارد که حسین(ع) از پیامبرانظم(ص) چگونه زمستن، انتخاب کردن و مردن را آموخته بود.

**جلوه‌های عزت در عاشورا**

از زیباترین خصلت‌ها و روحیاتی که در روز عاشورا تجلی کرد، جلوه‌های گوناگون «عزت» بود، دودمان بنی‌امیه می‌خواستند ذلت بیعت با خویش را بر امام حسین(ع) تحمیل کنند، ولی روح بلند امام(ع) و یارانش این ذلت و فرومایگی را تحمل نکرد.
این سخنان بلند و حیات بخش آن امام همام است که در رجحوتانی‌های روز عاشورایش فرمود: «الموت اولی من رکوب العار» مرگ نزد من از ننگ و خواری برتر است.<sup>(۸)</sup>

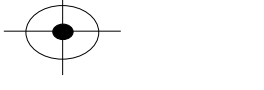
در طول تاریخ پس از حادثه عاشورا حاکمان ظالمی بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین(ع) را خطری برای خود می‌دانستند و علاقه‌مندان اهل‌بیت را از زیارت کربلا منع کرده و مشکلات بسیاری برای آنان ایجاد می‌کردند.
بنی‌امیه پس از واقعه کربلا متعزّض قبر امام حسین(ع) نشدند؛ زیرا از عواقب جنایتی که کرده بودند همواره در هراس به سر می‌بردند.
بنی‌امیه سخت‌گیری می‌کردند، اما نمی‌توانستند مانع زیارت کربلا شوند.
آنان می‌خواستند یاد و خاطره حسین(ع) از ذهن مردم فراموش شود.

**عباسیان، روی بنی‌امیه را سفید کردند**

حکومت بنی‌امیه پس از مدتی منقرض شد و پس از آن آن دوران فترتی پیش آمد که دوستانداران اهل‌بیت اندکی آسوده شدند و فرصتی برای زیارت مرقد شریف امام حسین (ع) برای آنان فراهم شد.
این دوران فترت میان سال‌های ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری بود؛ اما پس از گذشت این سه دهه، بنی‌عباس با مرقد حسین (ع) کاری کردند که ائمه‌ها نگران به «آنان در قتل امام حسین (ع) شرکت نداشتند، اما از آنکه به مرقد شریف چیزی کم نگذاشتند.
اولین خلیفه عباسی که در این راه گام برداشت، منصور عباسی بود که کینه جیبیی نسبت به فرزندان امیرالمؤمنین (ع) داشت و دستور تخریب قبر مطهر را اولین بار او صادر کرد.»<sup>(۹)</sup>
پس از او هارون الرشید در سال ۱۷۳ هجری دستور انهدام ساختمان حرم مطهر را داد و درخت سدری را که نشانه قبر منور حضرت بود، قطع کرد.<sup>(۱۰)</sup>

**متوکل؛ کینه توز ترین نسبت به امام حسین(ع)**

زندسبک به چهل سال بعد، متوکل عباسی که نوه دختری هارون‌الرشید بود، بر مسند خلافت نشست و سیاست بسیار سخت‌گیرانه‌ای را نسبت به شیعیان در پیش گرفت.
نقل است او چهار بار مرقد مطهر امام حسین (ع) را ویران کرد و زمینش را به آب بست و در آن زراعت کرت تا اثری از آن نماند و مرقد شریف باقی نماند و مردم آن را فراموش کنند؛ اما هرگز در این امر موفق نشد.<sup>(۱۱)</sup>
جلال‌الدین



## نگاهی به عزتمداری در نهضت کربلا

**✽ زهرا رضایان**



ای نفس منتهه سوزی پروردگارت باز کرد در حال که هم تو از شوهری و هم او از تو عشقود است

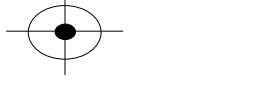
یکی از درس‌های حیات بخش عاشورا این است که هم فرد مسلمان باید عزت زندگی کند و هم جامعه اسلامی باید با عزت و سربلندی به پیش برود.
در تفکر حسینی، شکستی که برای دستیابی به عزت باشد، شکست نیست بلکه پیروزی واقعی است.
لذا در روز عاشورا می‌فرماید:«... وان تغلب فغیر مغلبین» اگر شکست بخوریم و کشته شویم، هرگز شکست نخورده‌ایم، در این راه ما را شکستی نیست»<sup>(۱)</sup>

یکی از عوامل عزت و اقتدار در نهضت حسینی، پایداری امام(ع) و یارانش در راه مبارزه با ستم است.
امام(ع) در جامعه‌ای می‌زیست که در آن به حق عمل نمی‌شد و از باطل نهی نمی‌گردید، بزرگ‌ترین آسیبی که جامعه را تهدید می‌کرد، سکوت مردم در برابر کار نرت و فساد ستمگران و دوری از امر به معروف و نهی از منکر بود.

آنچه بر زبان امام حسین(ع) و یارانش جاری شد و آنچه در رفتار و کردار آنان جلوه‌گر گردید، شأن واقعی یک انسان عزیز بود.
امام(ع) دربارهٔ این شأن و جلوه‌های آن در برخورد با «حرب بن‌زید ریاحی» هنگامی که راه را بر او و کاروانش بست و آن‌حضور را از مرگ بیم داد چنین فرمود:«شأن من شأن کسی نیست که از مرگ بهراسد. چقدر مرگ در راه رسیدن به عزت و احیای حق، آسان و راحت است»<sup>(۲)</sup>
در مسلك امام حسین(ع) مرگ با عزت، زندگی است و زندگی با ذلت، مرگ است.
زندگی امام حسین(ع) سرمشقی روشن

### معارف

Maaref@Kayhan.ir



است.
بنی‌امیه در زمان خلافت یزید در پی ویران کردن بنیادهای دین پیامبر(ص) یعنی توحید، نبوت، نماز، روزه و... بودند.
ولی امام(ع) با حماسه خونین خود چهره کریم بنی‌امیه را فاش کرد و با زین بردن مشروعبت و مقبولیت بنی‌امیه بقای اصول اعتقادات و مسلمات دین را تضمین کرد.
از این رو وقتی ابراهیم پسرطلحه بن عبیدالله در ششام از امام سجاد(ع) پرسید: اگر در جنگ حمل جدت پیروز شد، حالا چه کسی پیروز شده است؟
امام(ع) در پاسخ او فرمودند: «لذا اردت ان تعلم من غلب، و دخل وقت الصلاه فأذن ثم اقم» اگر می‌خواهی بدانی چه کسی پیروز شده است، هنگام فرا رسیدن وقت نماز، ابتدا اذان و سپس اقامه بگو»<sup>(۱۲)</sup>

این سخن، نشان آن است که هدف نهضت سیدالشهدا(ع) در درجه نخست، حفظ اسلام و استمرار شهادت به توحید و نبوت و صلاه بر مآذنه‌های جامعه بوده؛ چرا که اگر این مولفه‌های مهم از صفحه جامعه محو می‌شد، دیگر چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند.
البته کارکرد نهضت عاشسورا تنها در این مقوله خلاصه نمی‌شود، نهضت ابی‌عبدالله(ع) در احیای فرهنگ شهادت‌طلبی و ایثار و ظلم‌ستیزی و نفرت‌انگیزی نسبت به سلاطین اموی و بازگشت به سوی اصالت‌های عصر نبوی نقش مهمی ایفا کرده که همه اینها موجب بازگشت عزت از دست رفته مسلمانان شد.

امام حسین(ع) مرگ را پذیرا شد تا عزت ایمانی و انسانی پایدار بماند.
کسی که دریافتی درست از عزت داشته باشد، آن را با هیچ چیز معامله نمی‌کند.
وقتی آدمی به عزت ایمانی پشت می‌کندو کرامت انسانی را زیر پا می‌گذارد، از هر حیوانی درنده خوتر می‌شود و به هر پستی و زشتی دست می‌زند، اما چون چراغ جان آدمی، به عزت ایمانی روشن می‌شود، هویتش، رنگ کرامت انسانی می‌گیرد، زندگی را جز براساس مناسبات انسانی و روابط ایمانی نمی‌خواهد و اگر این‌گونه نباشد، مرگ را بر زندگی زیند بار ستمگر و ذلت‌پذیری ترجیح می‌دهد، امام حسین(ع) با زندگی و شهادتش این معنا را در زیباترین جلوه‌اش تحقق بخشید.

هرکس به امام حسین(ع) پیوست و حقیقت‌نهضت او را دریافت، به اوج کرامت انسانی و عزت ایمانی رسید و شکست‌ناپذیری را با همه وجود دریافت.
سخنان یاران امام حسین(ع) در شب عاشورا گویای این حقیقت است.
وقتی امام(ع) در آن شب خطبه‌ای ایراد کرد و به آنان اجازه داد تا بپرند و اظهار داشت که دشمنم فقط در پی اوست و اگر به او دست یابد، از ذیبال کردن دیگران غافل می‌ماند، آنان کرامت و عزت خود را نشان دادند.<sup>(۱۳)</sup>

ذلت‌زدایی و تنفر از ذلت‌پذیری در فرهنگ شیعه به صورت شعار حیاتی و همگانی درآمده است و شیعیان با الهام از این اصل تربیتی، همواره عزت‌مدارانه زندگی می‌کنند.
آنان این آموزنده حسینی را ملاحظ عمل قرار داده و جان می‌دهند، ولی خود را به خاک ذلت نمی‌افکنند و این اصل را از عمل امام حسین(ع) آموخته‌اند که در گرماگرم جنگ، در حالی که تمام یارانش در خون غلطبندند، شاعر سیادت و کرامت و عزتمداری و آقایی را سر داد و از ذلت و پستی اعلان بیزاری کرد.

امام(ع) در قیام عاشورا توانست فرهنگ شهادت‌طلبی را زنده کند و رنگ جاودانه به آن زند که تا قیام قیامت، هر انسان آزادی‌خواهی با یاد حماسه عاشورا در خط خون و قیام و عزت از اقتدار فریاد می‌زند.
با نگاهی گذرا به حرکت‌ها و قیام‌های پس از عاشورا و در اعصار بعد، بدرستی می‌توان به این نتیجه رسید که انسان‌ها را به آزادی و آزادیگی رهنمون و هدایت ساخت.
امام حسین(ع) مظهر اسم «العزیز» است و مکتب حسینی تبلور عزت خدای استت و اگر این مکتب حسینی کانون عزت است به راهبان خودی حسین(ع) درس عزت و افتخار می‌آموزد.

مدرسه حسینی، مدرسه عزتمندی است و امام حسین(ع) مظهر کامل کرامت انسانی و عزت ایمانی است، از جمله اهداف تربیت این است که انسان به گونه‌ای تربیت شود که اعتلای روحی یابد و خود را از پستی و فرومایگی به دور نگه دارد و برای خود حرمت و شرافت و شخصیت قائل شود و بزرگواری خود را در همه حال حفظ کند و نیز به گونه‌ای تربیت شود که در برابر حوادث، شکست‌ناپذیر گردد و به صلابت و محکمی و استواری دست یابد و سختی و راحتی، نعمت و نعمت، شکست و پیروزی، او را به سستی و تباهی نکشاند.
چنین انسانی است که هرگز به پستی و خواری و فرومایگی و زبونی تن نمی‌دهد و در برابر سخت‌ترین سختی‌ها و بزرگ‌ترین مصیبت‌ها پایدار می‌ماند.
چنان‌که امام حسین(ع) این‌گونه بود، اگر انسان‌ها به همه چیچه به خواری و زبونی تن نسپرد، دارایی‌اش بر باد رفت، فرزندان و یارانش کشته شدند، خاندانش به اسارت درآمده، بدنش با شمشیرها قطعه قطعه شد اما روحش استوار و محکم ماند.

**پی‌نوشت‌ها**

(۱) ن.ک.نساء: ۱۳۹. یونس:۶۵. منافقون:۸.

(۲) فاطر: ۱۰

(۳) نساء: ۱۳۹

(۴) فاطر: ۱۰

(۵) مافاتون:۸

(۶) محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج۵،ص ۱۹۵۷

(۷) ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۶۸

(۸) تاریخ طبری، ج۵، ص ۴۱۹

(۹) سیدین طلوعس، لیهوف، ص ۱۴۳

(۱۰) همان، صص ۱۱۶-۱۱۷

(۱۱) تاریخ طوسی، امالی، ج ۱،۴۳۲، ص ۱۱

(۱۲) تاریخ طبری، ج۵، ص ۴۱۹

(۱۳) سیدین طلوعس، پیام‌ها عاشورا، ص ۱۷۴

(۱۴) دلشاد تهرانی، مدرسه حسینی، ص ۲۷۴

(۱۵) القاضی، نورالله تستری. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۱

آن را پیش‌بینی فرموده است.
حضرت می‌فرماید: «گویا می‌بینم راهب‌هایی قهر حسین ساخته شده و می‌بینم که محمل‌هایی به سوی قبر حسین (ع) می‌روند و شبی و روزی نمی‌گذرد، مگر اینکه از سراسر آفاق به سوی آن می‌آیند.»<sup>(۱)</sup>

۱. مرضی مطهری، سسیری در سیره ائمه، بخش مربوط به امام صادق(ع).

۲. شیخ عباس قمی، تمه‌ المنتهی، ص ۱۶۵ .

۳. محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص ۵۰۳ .

۴. اخبار الدولة العباسیة، ترجمه عبدالعزیز دوری، ص ۳۶۵ .

۵. جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۷ .

۶. ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۱۵ .

۷. اخبار الدولة العباسیة، ص ۱۴۵ .

**متوکل در سال ۲۳۶ هجری دستور تخریب**

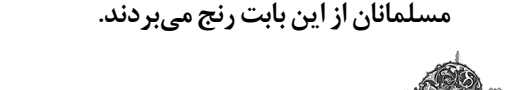
**قبر حسین(ع) و بناهای اطرافش را صادر**

**کرد و دستور داد تا همه زمین را شخم**

**بزنند و بذر بکارند. متوکل به ضدیت شدید**

**با اهل بیت رسول خدا (ص) معروف بود و**

**مسلمانان از این بابت رنج می‌بردند.**



۸. سیدجواد عاملی، مفتاح الکرامه، خاتمه جلد پنجم.
۹. دوايت دونالدسون، مذهب شیعه، ص ۷۷.

۱۰. منتخب التواریخ، ص ۴۱۷ .

از: پایگاه اطلاع‌رسانی حج

### صفحه ۶

**یک‌شنبه ۲۵ مهر ۱۳۹۵**

**۱۴ محرم ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۴۶**

### چراغ راه

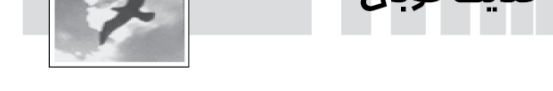


**ملاک دوست و دشمن**

**قال الامام الحسین(ع): «من احبک نهاک و من ابغضک افراک»**
امام حسین(ع) فرمود: کسی که تو را دوست بدارد، تو را (از انجام زشتی‌ها و بدی‌ها) نهی می‌کند و کسی که تو را دشمن بدارد، تو را می‌فریبد (یعنی با عدم تذکر زشتی‌ها و کارهای ناپسند، موجب فریب و گمراهیات می‌شود).<sup>(۱)</sup>

**۱- الحیاء، ج ۱، ص ۱۹۷**

## حکایت خوبان



**دین لقلقه زبانی بیشتر مردم است**

امام حسین(ع) در مسیر کربلا ضمن خطبه کوتاهی فرمودند: همانا دنیا دگرگون و ناسازگار و ناآشنا گردیده، نیکی‌ها و خوبی‌هایش پشت کرده است، و از آن جز مقدار ناچیزی همچون ته مانده ظروف - غذا - باقی‌نمانده است، و آن نیز زندگی پستی همچون چراگاهی سخت و پرخطر است.
آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند و از باطل دست نمی‌کشند؟!
در چنین شرایطی بر مومنان شایسته و سزاوار است که مشتاق دیدار پروردگار و شیفته شهادت و لقای خدای خود باشند، و من نیز مرگ را جز سعادت و شهادت و زندگی با ستمگران را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.
به راستی که بیشتر مردم بندگان دنیا و زر خرید مال و ثروت هستند و دین و دیانت بر سر زبان و لقلقه لسان آنها است، و همچون آب دهانی است که به روی زبانشان جاری است، و دین و دیانت را تا زمانی می‌خواهند که امر معاش و دنیای آنان به وسیله آن تامين باشد اما وقتی که به بلا و امتحان در دین مورد آزمایش قرار می‌گیرند،دین‌داران حقیقی بسیار اندک هستند.<sup>(۲)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶



**چرایی تعبیر چراغ هدایت و کشتی نجات**

**پرشش:**

**چرا جمله «ان الحسین مصباح‌الهدی و سفینه النجاه»؛ فقط درمورد امام‌حسین(ع) آمده‌است؟**

**پاسخ:**

در منابع روایی آمده است: «انه لمکتوب علی یمین عرش الله مصباح هد و سفینه نجاه» در طرف راست عرش نوشته شده است: حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است. (اعلام الوری، ص ۴۰۰)
بر این اساس، جداره که پرسیده شده، چرا از بین ائمه هدی تنها امام حسین(ع) از این لقب برخوردار شدند؟
در پاسخ باید گفت: اگرچه ائمه(ع) نور واحد هستند و همگی چراغ هدایت به حساب می‌آیند، اما شرایط مانه باعث می‌گردید تا جنبه‌ای از شخصیت آنان تجلی پیدا کند و به فعلیت برسد و در نتیجه مظهر یک اسم از اسمای الهی گردند.

مثال اول: از بین ائمه(ع) تنها امام پنجم(ع) به شکستفنده علم (باقر)

ملقب است، با اینکه همه امامان معصوم از علم لدنی برخوردار بودند و این نیست، مگر اینکه در زمان و شرایطی که امام پنجم(ع) زندگی می‌کرد، از سویی نخله‌ها و افکار جدیدی، بروز کرده و از سویی دیگر، دولت بنی‌امیه به ضعف گراییده بود.
در این فضا و بسستر فراهم شده، ضروری بود که اصول مکتب تشیع تبیین شود.

مثال دوم: از بین ائمن معصوم تنها امام علی(ع) و امام حسین(ع) از لقب ثارالله (خون خدا یا کسی که ولی دم او خدا است) برخوردارند با اینکه همه آنان به مرگ طبیعی از دنیا نرفته‌اند؛ شهادت در راه خدا نصیب آنان شده است.
دلیل این امر آن است که از بین امامان تنها خون آن دو امام بر زمین ریخته شد، و در آن شرایط، این نحوه از شهادت، بیشترین نقش و تأثیر را در حیات بخشی به اسلام داشته است.

اما چرا لقب چراغ هدایت و کشتنی نجات تنها برای امام‌حسین(ع) استفاده شده است، در جواب باید گفت: موقعیت و شرایط امام حسین(ع) استفادگی که در آن شرایط نیی امیه توانسته بود با تبلیغات مسوم چهره اسلام را واژگون و مسخ نماید.
روشن است که چنین اسلامی نمی‌توانست هدایت‌گر انسان‌ها باشد، اسلامی که اجازه می‌داد خلیفه آن یک انسان شراب‌خوار و قمار باز و... باشد، اسلامی که تبعیض نژادی و طبقاتی را می‌پذیرفت، اسلامی که سردمدارانش درحالت مستی بر نماز جماعت حاضر می‌شدند.

امام آنگاه که از هدف قیام خود سخن می‌گوید، می‌فرماید: من نه برای راحت‌طلبی و وانهادن مسئولیت، به راه افتاده‌ام و نه برای خوش گذرانی و پیبودگی، نه انگیزماد مندری و بی‌دادگری است و نه تبهکاری، بلکه می‌خواهم امت جدم را اصلاح کنم (حیاه الامام‌الحسین‌بن‌علی(ع)، ج ۲، ص ۲۶۴)

مگر نمی‌بینید که حق و عدالت اجرا نمی‌شود و مردم دست از باطل نمی‌کشند؟!
در چنین محیط فاسد و آلوده‌ای هر فرد با ایمانی آرزومند مرگ و ملاقات پروردگار است.»

آنگاه که از زمامداری یزید با خبر شد، فرمود: «و علی‌الاسلام السلام اذ قد بلیت الایمه برع مثل یزید.» (دیگر باید فاتحه اسلام و مسلمانان را خواند و با آن وداع گفت، آن‌گاه که جامعه و مردم دچار زمامدار و رهبری مانند یزید گردند. (اللیهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۱)

امام در چنین شرایطی توانست هم اسلام را از نابودی نجات بخشد و هم تمام ابعاد اسلام واقعی را در عمل برای جهانیان ترسیم نماید و به نمایش بگذارد و در واقع راه نجات و هدایت را برای انسان‌ها تجسم نماید؛ از این جهت، در حادثه کربلا و به ویژه روز عاشورا ما شاهد بروز و ظهور همه فضائل و خوبی‌ها از وجود مقدس امام‌حسین(ع) و یارانش هستیم، و می‌توانیم این ادعا را تأیید کنیم که تمام ابعاد اسلام توسط ایشان با رنگ خون در زمین کربلا این تابلوی همیشه زنده تاریخ، نقاشی شده است، درحالی که برای امامان دیگر این شرایط فراهم نشد که همه ویژگی‌ها و فضائل خود را در معرض دید حقیقت‌جویان قرار دهند و تمام ابعاد هدایتی اسلام را به نمایش بگذارند، و این البته به مقتضای وظیفه‌ای بود که برعهده آنان بود که هر شرایط خاص، رفتار خاصی را می‌طلبد و آنان موظف بودند الگوی رفتاری مناسب همان شرایط را به بشریت ارائه دهند؛ یعنی این محدودیت از سوی شرایط بوده است که رفتار الگویی مسعودی را اقتضا می‌کرد.
به جهت همین جامعیتی که واقعه عاشورا از آن برخوردار است این حادثه و خود امام‌حسین(ع) چراغی شدند که با نگاه به این چراغ کسی گمراه نمی‌شود و در دریای طوفانی نوحه نخواهد شد.
به عبارت دیگر، آن امام چراغ هدایت است برای انبیا‏ی که در ظلمات جهل گرفتار آمدند و کشتنی نجات است برای انبیا‏ی که در گرداب دنیا دست و پا می‌زنند.
لذا در زیارت اربعین امام‌حسین(ع) می‌خوانیم:

خون پاکش را در راه تو به خاک ریخت تا بندگانگ را از جهالت و سرگردانی گمراهی نجات بخشد، درحالی که دنیا‏لبان (کسانی که دنیا فریبشان داده بود) بر علیه او یک دست شده بودند. (بحارالانوار، ج۸، ص ۳۳۱)

بنابراین همه ائمه اطهار(ع) از این منظر چراغ هدایت و کشتی نجات هستند اما امام حسین(ع) به خاطر شرایط خاصی که داشت، برجستگی و ویژگی‌هایی پیدا کرده است که سایر ائمه آنها را درحد کمتری دارند.
در روایتی از امام‌رضاع(ع) آمده است که همه ما کشتنی نجات هستیم اما کشتی امام حسین وسیع‌تر است و در امواج متلاطم، دریا سریع‌تر به مقصد می‌رسد. (بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۳۲)